



Research Article

Analysis of the Position of "Automatism" under Iranian Criminal Law and Common Law

Sayed Mohsen Ghaemfard¹, Fatemeh Mohseni^{2*}

1. Assistant Prof., Department of Law, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran
2. MA. in Criminal Law and Criminology, Department of Law, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Article history:

Received: 12-04-2024

Accepted: 05-06-2024

Abstract

Introduction

Since the brain's control over bodily organs is fundamentally governed by individual will, every bodily movement is attributed to the brain, and every brain command is attributed to the individual's will. While there is no doubt that all movements are controlled by the brain, there remains the possibility that the brain may automatically issue action commands to the body without conscious will. One example of such involuntary behavior is "automatism," which has emerged in Western legal systems as an independent defense against criminal charges. In Persian, "automatism" has been translated as "involuntarily," "unwillingness," and "spontaneous movement." This article adopts the latter translation as the most accurate. The primary objective of this article is to answer the following questions: What is the concept and position of automatism in common law, and what approach can be adopted regarding this matter under Iranian law?

Please cite this article as:

Ghaemfard, S.M., Mohseni, F (2025). Analysis of the Position of "Automatism" under Iranian Criminal Law and Common Law. *Journal of Legal Studies*, 17(2), 283-322.
<https://doi: 10.22099/JLS.2024.49941.5144>

* Corresponding author:

E-mail address: ftm.mohseni93@gmail.com

Methods

This article employs a descriptive-analytical approach to examine the subject. The required data were primarily collected through library research, including books and academic articles. Additionally, relevant judicial decisions from the common law system were analyzed to provide a comprehensive and precise assessment of various aspects of the topic. This approach enables comparative analysis and critique of both theoretical and practical foundations.

Results

Automatism, which manifests solely as an act, occurs without will, is uncontrollable, unpreventable, and lacks prior planning or prediction. In essence, the action in automatism is attributed to the perpetrator's body rather than to their will or personality. This explanation suggests that automatism possesses two concurrent characteristics, with the predominance of one over the other influencing its perception as a defense: (1) the action originates from the doer, and (2) the action occurs without the doer's will. The article contends that what negates responsibility in such acts is that the act "occurred through" the person rather than being "committed by" them. In other words, while the "act" may be attributed to a person, the "criminal act" cannot be.

In common law, within the discussion of general defenses (justifications and excuses), the term "automatism" appears alongside other defenses such as mistake, insanity, intoxication, self-defense, and necessity. The common law legal system recognizes various factors—along with their resulting criminal acts—under the doctrine of automatism as grounds for negating criminal responsibility. These factors include sudden bodily movements caused by collisions with objects or animals, the use of certain drugs, internal conditions affecting brain function, actions committed while intoxicated or asleep, and conduct occurring immediately after waking or under the influence of terrifying dreams.

In Iranian legal sources, automatism has not been explicitly recognized as a general defense negating defendant responsibility, remaining largely unknown in both legislation and judicial decisions. Some scholars have attempted to classify automatism as a form of internal force; however, this interpretation faces significant objections. While "force" is not explicitly addressed in the Islamic Penal Code of 2013, Iranian law considers it from a jurisprudential perspective. Jurisprudential conceptions of force only encompass certain examples recognized under common law—specifically, external material force. Other forms of force recognized in common law (such as necessity or duress) are treated as independent concepts in

jurisprudence. Consequently, automatism cannot be categorized under internal force (whether mental or material), as Iranian law does not recognize internal force as a jurisprudential concept. This article briefly compares automatism with concepts of force, necessity, and insanity under Iranian law.

Conclusion

The status of attribution based on jurisprudential regulations and rules varies in cases of automatism: for some crimes, it may alter the type of responsibility, while for others, it may render responsibility unstable. This article, while examining automatism's position in common law, has determined its potential role in Iranian criminal law and concludes that the legislator should formally recognize automatism as one of the established general defenses.

Keywords: Automatism, Unwillingness, Involuntary Movement, General Defense, Criminal Liability, Force Majeure.



دوره هفدهم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۴

JLS

مجله مطالعات حقوقی

Journal Homepage: <https://jls.shirazu.ac.ir/>
doi: <https://10.22099/JLS.2024.49941.5144>

مقاله پژوهشی

تحلیل جایگاه «حرکت خودبه‌خودی» در حقوق کیفری ایران و کامن‌لو

سیدمحسن قائم‌فرد^۱، فاطمه محسنی^{۲*}

۱. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران
۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۱/۲۴

اطلاعات مقاله

چکیده

مقدمه: از آنجاکه اصولاً اقدام مغز در دستور به اعضا، از سوی اراده فرد مدیریت می‌شود، هر حرکت عضو به مغز و هر فرمان مغز به اراده انسان متناسب می‌گردد. از این جهت که هر حرکتی دارای فرمان مغز است، هیچ‌گونه تردیدی نیست؛ اما همواره این امکان وجود دارد که مغز، به طور خودکار (اتوماتیک) و بدون اراده آگاه، فرمان عملی را به بدن صادر کند. یکی از مصادیق این رفتارهای غیرارادی، «اتوماتیزم» است که به‌عنوان یک دفاع مستقل در قالب ارتکاب اعمال مجرمانه، در غرب متداول شده است. اتوماتیزم در فارسی به «بی‌اختیاری و از خودبی‌خودی»، «بی‌ارادگی»، و «حرکت خودبه‌خودی» ترجمه شده که در این مقاله ترجمه اخیر صحیح‌تر تلقی و مورد استعمال قرار گرفته است. هدف این مقاله دستیابی به پاسخ این سؤال است که اتوماتیزم چه مفهوم و جایگاهی در کامن‌لو دارد و مطابق حقوق ایران چه رویکردی می‌تواند نسبت به این مقوله اتخاذ شود؟.

استناد به این مقاله:

قائم‌فرد، سیدمحسن و محسنی فاطمه (۱۴۰۴). تحلیل جایگاه «حرکت خودبه‌خودی» در حقوق کیفری ایران و کامن‌لو. مجله مطالعات حقوقی. ۱۷. (۲). ۳۲۲-۲۸۳.

E-mail address: ftm.mohseni93@gmail.com

* نویسنده مسئول:

روش‌ها: در این مقاله از روش توصیفی-تحلیلی برای بررسی موضوع استفاده شده است. داده‌های مورد نیاز عمدتاً از طریق مطالعه منابع کتابخانه‌ای، شامل کتاب‌ها و مقالات علمی گردآوری شده‌اند. همچنین برای تقویت تحلیل، آرای قضایی مرتبط با نظام حقوقی کامن‌لو مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا ابعاد مختلف موضوع به صورت جامع و دقیق تحلیل شود. این رویکرد امکان بررسی تطبیقی و نقد مبانی نظری و عملی را فراهم می‌آورد.

یافته‌ها: حرکت خودبه‌خودی که تنها به صورت فعل واقع می‌شود، بدون اراده، غیرقابل کنترل، غیرقابل پیشگیری و بدون برنامه‌ریزی و یا پیش‌بینی قبلی است. در حقیقت رفتار واقع شده در حالت حرکت خودبه‌خودی منسوب به بدن مرتکب است، نه اراده و شخصیت او. با این توضیح می‌توان گفت حرکت خودبه‌خودی در درون خود دارای دو ویژگی توأمان است که ترجیح هر یک از این دو ویژگی بر دیگری در نوع تلقی آن به عنوان یک دفاع، مؤثر خواهد بود: «ارتکاب فعل از فاعل» و «بروز فعل بدون اراده فاعل». ادعای مقاله این است که آنچه موجب عدم مسئولیت در این گونه افعال است، این برداشت است که عملی از فردی «سرزده»، نه اینکه او «مرتکب» آن شده باشد. در واقع «فعل» به شخص منتسب است اما «فعل مجرمانه» خیر. در کامن‌لو در بحث از دفاعیات عام (علل موجهه جرم و علل رافع مسئولیت کیفری)، در کنار دیگر دفاع‌ها مانند اشتباه، جنون، مستی، دفاع مشروع، اضطراب و غیره، اصطلاح «اتوماتیزم» نیز به چشم می‌خورد. مجموعه عواملی که در نظام حقوقی کامن‌لو با استناد به حرکت خودبه‌خودی، موجب عدم مسئولیت مرتکب دانسته شده‌اند شامل حرکت ناگهانی بدن در اثر برخورد یا مواجهه با شی یا حیوان، استفاده از برخی داروها، مشکلات داخلی مؤثر بر مغز، اقدامات در حال مستی و خواب و نیز اقداماتی است که بلافاصله پس از بیداری از خواب و تحت تأثیر یک رؤیای وحشتناک صورت گرفته است. حرکت خودبه‌خودی در منابع حقوقی ایران به عنوان یک اصطلاح حقوقی، صراحتاً به عنوان دفاع عام در عدم مسئولیت متهم پذیرفته نشده است و حداقل از حیث قانون‌گذاری و صدور حکم ناشناخته است. ممکن است برخی حرکت خودبه‌خودی را از مصادیق اجبار درونی بدانند؛ در ردّ این نظر باید گفت اجبار با اینکه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیامده، اما در حقوق ایران، اجبار از منظر فقه مدنظر است که تنها برخی مصادیق اجبار در کامن‌لو را دربرمی‌گیرد؛ یعنی اجبار به معنی فقهی آن تنها شامل اجبار مادی بیرونی از منظر کامن‌لو است و انواع دیگر اجبار عرفی جزء مصادیق اضطراب، اکراه و غیره است که در فقه به طور مستقل مورد بحث قرار گرفته‌اند. از این رو نمی‌توان حرکت خودبه‌خودی را ذیل اجبار درونی از نوع معنوی یا مادی آن قرار داد زیرا اساساً اجبار درونی در فقه و به تبع آن در حقوق ایران مدنظر نیست. در این مقاله، به نحو اجمال به مقایسه حرکت خودبه‌خودی با اجبار، اضطراب و جنون در حقوق ایران پرداخته شده است.

نتیجه‌گیری: بر اساس مقررات فقهی و قانونی در حرکت خودبه‌خودی بر اساس یک دیدگاه در برخی از جرایم نوع مسئولیت تغییر خواهد کرد و در برخی دیگر اساساً داشتن مسئولیت متزلزل خواهد شد. مقاله پیش‌رو ضمن بررسی جایگاه حرکت خودبه‌خودی در کامن‌لو، نقش آن را در حقوق کیفری ایران مشخص کرده و به این نتیجه رسیده است که مقنن باید حرکت خودبه‌خودی را در شمار دفاع‌های عام مورد استناد به رسمیت بشناسد.

واژگان کلیدی: اتوماتیزم، بی‌ارادگی، حرکت خودبه‌خودی، دفاعیات عام، مسئولیت کیفری.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

سرآغاز

از حدود سال ۱۹۰۰ میلادی زمانی که برخی رفتارها در هیچ یک از حالت‌های جنون، مستی یا خواب قابل توجیه نبود و در عین حال به نظر قضات، مجرمانه نیز تلقی نمی‌شد، دفاع «اتوماتیزم»^۱ به‌عنوان دفاعی مستقل در غرب متداول شد (Jennings, 1962: 370). در واقع انسان می‌تواند مرتکب عملی شود که به هیچ وجه ارادی نیست و در صورت اثبات آن، نتیجه باید برائت باشد. اهمیت بحث از آن روست که از منظر پزشکی و بیولوژیک انسان، امکان وجود این وضعیت، اثبات شده، اما در حقوق ایران ماهیت آن به صورت اختصاصی مورد مطالعه قرار نگرفته است و تنها به تناسب در تألیفات حقوقی با ترجمه‌های گوناگون و غیرمنسجم از قبیل «ناهوشیاری» یا «بی‌اختیاری» (Clarkson, 2019: 62; Mir Mohammad Sadeghi, 2022: 223-234) استفاده شده است که باعث خلط مفهوم آن با مفاهیم اجبار، جنون و غیره می‌شود. از این رو، پژوهش حاضر، مناسب‌ترین ترجمه را «حرکت خودبه‌خودی» تشخیص داده است^۲ که با مطالعه کتابخانه‌ای به روش توصیفی-تحلیلی و با نگاهی بر کامن‌لو درصدد یافتن پاسخ این سؤال است که جایگاه حرکت خودبه‌خودی در حقوق کیفری ایران چیست. فرضیه این است که مقنن ایران نتوانسته است درخصوص حرکت خودبه‌خودی که از دفاعیات عام^۳ تبرئه‌کننده^۱ در کامن‌لو است نظر متقنی ارائه دهد و تنها برخی مصادیق

1. Automatism

۲. «خودکاری» نیز ترجمه مناسبی است اما ترجمه انتخاب شده رساتر است.
 ۳. این دفاعیات را از آن جهت «عام» (General Defences) می‌نامند که درمورد همه جرایم قابل استناد هستند و از این جهت با دفاعیات خاص (Particular Defences) متفاوت هستند که تنها در جرایم خاصی قابل اعمال‌اند (Mir Mohammad Sadeghi, 1999; 151). در دفاعیات عام معمولاً بین عوامل موجهه (Justification) و عوامل معذورکننده یا رافع مسئولیت کیفری (Excuses) تفکیک قائل می‌شوند. عوامل موجهه یا اسباب عینی مانع مسئولیت به معنی آن است که عمل متهم قابل رد و سرزنش نیست و از فاعل رفع تقصیر می‌شود، مثل آنچه در دفاع مشروع رخ می‌دهد. در دفاعیات رافع مسئولیت کیفری یا اسباب شخصی مانع مسئولیت، متهم مرتکب کار اشتباهی شده، لیکن وی معذور محسوب و از مسئولیت رها می‌شود. بدین ترتیب دفاعیاتی چون مستی، اشتباه،

آن را به صورت غیرمنسجم آورده است. با اینکه مقنن عبارات «اراده» و «اختیار» را با دقت به کار نبرده، اما ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، «مختار» بودن را شرط مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات دانسته است. اختیار مرحله‌ای قبل از اراده است. اراده به معنای توانایی خواستن، و اختیار به معنای آزادی در انتخاب است. این دو کاملاً متمایز از هم هستند اما اختیار، شرط لازم برای تکوین اراده است؛ یعنی در صورت فقدان اراده، اختیار هم حتماً مفقود است (Sadeghi & Tanhaei, 2017: 45). از این‌رو، بی‌اختیاری که مرحله‌ای قبل از بی‌ارادگی است، موجب سلب مسئولیت کیفری می‌شود، به طریق اولی بی‌ارادگی هم باید رفع مسئولیت کیفری کند. در حرکت خودبه‌خودی نه اراده وجود دارد و نه به قیاس اولویت، اختیار. در جنایات طبق بند الف ماده ۲۹۲ قانون یادشده^۲ اگر بتوان عبارت «مانند آنها» را ناظر بر بی‌ارادگی، نه ناهوشیاری، تلقی کرد می‌توان اظهار نمود حرکت خودبه‌خودی از مصادیق خطای محض است. در غیرجنایات تکلیف مشخص نیست که آیا ضامن به‌طور کلی متنفی است یا فقط در حدود و تعزیرات براءت صادر می‌شود؟ ماده ۱۵۳ قانون مذکور هم که بیان می‌دارد: «هر کس در حال خواب، بیهوشی و مانند آنها، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود مجازات نمی‌گردد...» در این مورد راهگشا نخواهد بود.

حرکت خودبه‌خودی از دیدگاه حقوق کیفری ایران، برای اولین بار در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد. مقاله هادی غلامرضاروی و محمود یوسفوند (۱۳۹۷) با عنوان «تأثیر قوه قاهره در قتل و جرح ناشی از ترک فعل» تنها از این منظر که حرکت خودبه‌خودی ذیل قوه قاهره قرار می‌گیرد با بند ۲ مقاله یادشده، که جایگاه قوه قاهره را در قتل و جرح (با فعل یا ترک فعل) بررسی می‌کند، مرتبط است (Gholamreza Ravi &

جنون و صغر سن جزء عوامل معذورکننده هستند (Mir Mohammad Sadeghi, 2020: 82; Ardebili,

1999: 152) و حرکت خودبه‌خودی نیز در دسته عوامل معذورکننده قرار می‌گیرد.

1. Result in an Acquittal

۲. جنایت در موارد زیر خطای محض محسوب می‌شود: الف- در حال خواب و بیهوشی و مانند آنها واقع شود...

(Yosefvand, 2018). در برخی دکترین حقوقی هم انواع مصادیق حرکت خودبه‌خودی به تناسب ذیل انواع اجبار آورده شده است (Mir Mohammad Sedeghi, 2022: 223-234). بدون آنکه شرایط استناد به آن و تفاوت آن با مفاهیم مشابه مورد بررسی قرار گیرد. از جمله مصادیق حرکت خودبه‌خودی، حرکت بدن در نتیجه ضربه به نقطه خاصی از بدن (مانند پرش یا بر اثر ضربه به زانو)، ترس، کاهش قند خون و غیره است. این پژوهش بعد از مفهوم‌شناسی حرکت خودبه‌خودی، مصادیق و شرایط استناد به آن را در کامن‌لو بیان می‌کند. در ادامه ضمن بررسی موضع فقه و حقوق ایران، حرکت خودبه‌خودی از دیگر مفاهیم مشابه، متمایز می‌شود و نقش آن در تزلزل ارکان جرم مورد بررسی قرار می‌گیرد. از آنجاکه این مفهوم در کامن‌لو قدمت بسیار و پرونده‌های گوناگونی دارد اما قوانین ایران نظر متقنی در مورد آن ندارند، برای فهم بهتر، ابتدا کامن‌لو بررسی می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی حرکت خودبه‌خودی

«Automatism» در فارسی به «بی‌اختیاری و از خودبی‌خودی» (Mir Mohammad Sadeghi, 1997: 7)، «بی‌ارادگی»، و «حرکت خودبه‌خودی» (Farrokh Siri, 1997: 12) ترجمه شده که در این مقاله ترجمه اخیر صحیح‌تر تلقی شده و مورد استعمال قرار گرفته است. این حالت در فرهنگ لغت، گاه به معنای عمل یا رفتاری که بدون اراده، هدف یا قصد منطقی رخ دهد، مانند راه رفتن در خواب، یا رفتاری که در وضعیت گسستگی ذهنی بدون هوشیاری انجام شود، آمده (Blak, 2009: 154) و گاه «رفتار غیرارادی بدون هوشیاری که سبب برخی اعمال خارجی می‌شود» (Dictionary of Oxford, 2002: 40) تعریف شده است. در تعریف حقوق‌دانان، حرکت خودبه‌خودی به عملی غیرارادی اطلاق شده که شخص از عملکرد خود آگاهی کامل ندارد (Swaiman & et al., 2017) و هیچ کنترل آگاهانه‌ای نیز بر آن ندارد (Blair, 1997: 750) و معمولاً با شرایط نامناسب است و پس از آن ممکن است فرد هیچ خاطره‌ای از (167)

اعمالش نداشته باشد (Fenwick, 1990: 4)؛ یا «عمل انجام‌شده به وسیله ماهیچه‌های بدن بدون هر گونه کنترل مغز» (Brown, 1991: 231)؛ یا حرکت بدن به نحوی که آن عضو هیچ دلیلی برای آن حرکت نداشته باشد و ثابت شود که شخص قادر نبوده از انجام آن فعل اجتناب نماید (از دست رفتن کنترل مؤثر) (Ashworth, 1387: 99).

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در گروهی از تعاریف یادشده، حرکت خودبه‌خودی عمل کاملاً غیرارادی قلمداد شده است که دستگاه مغز و اراده فرد در بروز آن هیچ‌گونه نقشی ندارد و حتی نمی‌تواند مانع بروز آن شود. در دسته دیگر، حرکت خودبه‌خودی هر چند عمل بدون هوشیاری کامل تلقی شده، در عین حال، مغز و دستگاه کنترل اعمال بدن، دستور انجام چنین عملی را صادر کرده است. این تعاریف با یکدیگر در تناقض و تضاد نیستند؛ با اینکه غیرارادی با غیرهوشیارانه به یک معنی نیست اما هر دو گروه مقصودی واحد را اراده کرده‌اند و تفاوت در تعبیر موجب چنین برداشتی شده است، نه تفاوت در اصل تعریف. با این توضیح که هرگاه عملی از انسان سرمی‌زند، بدون تردید منشأ آن تحت کنترل و هدایت ساختارهای مغزی است. حتی انسانی که در خواب بدون هر گونه اراده و هوشیاری و شعور، مبادرت به حتی اندک حرکتی می‌نماید، این حرکت از فرمان مغز ناشی شده است و بدین ترتیب نمی‌توان صدور عملی را از انسان تصور کرد که این عمل فاقد «منشأ مغزی» باشد. از سوی دیگر، فرمان صادرشده از مغز گاه «منشأ ارادی» دارد و گاه «منشأ ارادی» ندارد؛ یعنی گاه اراده انسان صدور دستوری را از مغز می‌خواهد و گاه مغز به طور خودکار و بدون اراده، فرمانی صادر می‌کند و از آنجاکه اصولاً اقدام مغز در دستور به اعضا را اراده او مدیریت می‌کند، هر حرکت عضو به مغز و هر فرمان مغز، به اراده انسان منتسب می‌گردد. در حالی که چنان‌که اشاره شد گاه دستور مغز بدون اراده انسان موجب حرکت اعضا می‌شود؛ درست مانند دستگاه رایانه‌ای که هم کاربر می‌تواند آن را کنترل و پردازش کند و هم به موجب تعاریفی که از پیش برای آن طراحی شده، خود، سلسله پردازش‌هایی را بدون اراده کاربر انجام می‌دهد. مغز نیز در مواردی به موجب آنچه در خلقت اولیه برایش در

نظر گرفته شده، مبادرت به صدور فرمان‌هایی برای اعضا می‌نماید که اراده انسانی در آن نقش ندارد.

براساس توضیحات یادشده، حرکت خودبه‌خودی این‌چنین تعریف می‌شود: «حرکت خودبه‌خودی فعلی است که بدون اراده و کنترل مؤثر شخص از وی صادر می‌شود و او قادر نیست جلوی آن را بگیرد». در واقع در حرکت خودبه‌خودی رفتار واقع شده منسوب به بدن مرتکب است، نه اراده و شخصیت او. با این توضیح می‌توان گفت حرکت خودبه‌خودی در درون خود دو ویژگی توأمان دارد که ترجیح هر یک از این دو ویژگی بر دیگری در نوع تلقی آن به‌عنوان یک دفاع، مؤثر خواهد بود: اول، «ارتکاب فعل از فاعل» و دوم، «بروز فعل بدون اراده فاعل». از یک منظر «فعلی» که در حالت حرکت خودبه‌خودی واقع شده، او آن را ارتکاب داده و بالاخره می‌توان گفت که او آن «فعل» را «مرتکب» شده است. اما از منظر دیگر، آنچه در حالت حرکت خودبه‌خودی واقع شده، فعلی نیست که فرد، «مرتکب» آن شده باشد، بلکه عملی است که به دلیل شرایطی خارج از اراده‌اش، از او «سر زده» است. در واقع آنچه برای نسبت دادن فعل هر انسان به او لازم است، پیشینه فکری^۱ و تعلق «اراده» انسان به آن فعل است و چون در حرکت خودبه‌خودی، فعل از کسی سر می‌زند که وی هیچ‌گونه اراده‌ای در بروز و ظهور آن نداشته، نمی‌توان آن را به او نسبت داد. به عبارت دیگر، از یک منظر چون تصور می‌شود که فرد مرتکب فعل شده، رابطه انتساب شکل می‌گیرد که شرط اولیه تحقق هر گونه مسئولیت (اعم از مدنی و کیفری) است، و کسی که عملی در حالت حرکت خودبه‌خودی از او صادر شده، «فاعل» محسوب می‌شود. اما از منظر دیگر تردید در انتساب فعل به فرد است؛ یعنی نمی‌توان او را «فاعل» فعل یا «مرتکب» آن نامید. پس به‌راحتی منظر اول، عمل به فردی منتسب نمی‌شود که از جسم او حرکتی

۱. با این توضیح که از لحاظ زمانی، ذهنیت شخص (که نشان دهنده اراده وی است) باید مقدم بر عمل شخص یا نهایتاً متقارن با آن باشد.

ظاهر شده است. همچنین می‌توان مدعی شد که تردیدی در فقدان رابطه انتساب بین فرد و عمل ظاهرشده وجود ندارد و چنان‌که گذشت این رفتار با اراده و شخصیت او هیچ‌گونه ارتباط و انتسابی ندارد، بلکه عملی است که از بدن او ظاهر شده است، بدون اینکه او در وقوع آن نقشی یا در پیشگیری از آن قدرتی داشته باشد. بر اساس تصویر اول از حرکت خودبه‌خودی، آنچه موجب عدم مسئولیت در این‌گونه افعال است، فقدان رکن معنوی و نیت مجرمانه است؛ یعنی فرد عملی را مرتکب شده و رابطه انتساب او با عمل، مفروض تلقی شده و نهایتاً از آنجاکه فاقد رکن معنوی است، قابلیت مجازات ندارد. این موضوع دقیقاً مانند آن چیزی است که در مورد صغیر یا مجنون گفته می‌شود. بر اساس تصویر دوم که اساس انتساب در آن مخدوش است، مبنای توجیه حرکت خودبه‌خودی، فقدان رکن مادی است؛ یعنی نمی‌توان گفت فرد مرتکب عملی شده یا عملی به او منتسب است تا نوبت به فرض وجود یا فقدان رکن معنوی برسد.

با دقت در این موضوع است که برخی تألیفات، حرکت خودبه‌خودی را از آن جهت دفاع تام دانسته‌اند که اساساً این‌گونه افعال را به لحاظ حقوقی «عمل» محسوب نکرده، حتی در مقابل جرایم با مسئولیت مطلق نیز دفاع محسوب می‌کنند یا گفته شده است در حرکت خودبه‌خودی متهم مرتکب جرم نشده است؛ زیرا رفتار خارجی وی ناشی از اراده یا تفکری نبوده و از این رو، چنین فردی باید مطلقاً تبرئه شود (Barker & Padfield, 1382: 320). همچنین در یک اثر دیگر آمده است: «حرکت خودبه‌خودی نشان‌دهنده رفتار خودکار است، در نتیجه مفاهیم عنصر مادی و عنصر معنوی را حذف می‌کند؛ زیرا مرتکب، کنترل داوطلبانه اعمال یا قصد خود را ندارد» (Beran, 2020: 1).

در مقام تحلیل ماهیت حرکت خودبه‌خودی با توجه به دو دیدگاه ذکرشده، به نظر می‌رسد حرکت خودبه‌خودی در دیدگاهی که اساساً رکن مادی را مفقود می‌داند، نمی‌تواند در هیچ حالتی موجب مسئولیت باشد و در دیدگاهی که عمل قابلیت انتساب به فرد را پیدا می‌کند، تردیدی در فقدان اراده در بروز آن نیست و لاقلاً از حیث مسئولیت کیفری هیچ‌گونه مسئولیتی متوجه فرد نخواهد بود. از آنجاکه انتساب فعل مربوط به

رکن مادی و اراده مربوط به رکن روانی است و طبق تعریف، در حرکت خودبه‌خودی فرد فاقد اراده است، به نظر می‌رسد دیدگاه اول صحیح‌تر است و «فعل» منتسب به فاعل است، اما «فعل مجرمانه» منتسب به وی نیست. بدیهی است حرکت خودبه‌خودی فقط با فعل قابل تحقق است، نه ترک فعل.

۲. مصادیق حرکت خودبه‌خودی در کامن‌لو

مجموعه عواملی که در تألیفات و آرای دادگاه‌های کامن‌لو، افعال مجرمانه حادث شده به سبب هریک از آنها، با استناد به حرکت خودبه‌خودی، موجب عدم مسئولیت مرتکب دانسته شده‌اند، به شرح زیر قابل احصاء است:

۱-۲. حرکت ناگهانی بدن بر اثر برخورد یا مواجهه (با شیء یا حیوان)

در حقوق کامن‌لو، به نظریه معروف هجوم زنبورها^۱ در پرونده هیل علیه باکستر استناد شده است (Hill v. Baxter, 1958). در این پرونده که به دنبال تصادف فردی در حین رانندگی با دیگری و اتهام رانندگی خطرناک مطرح شد، متهم مدعی گشت تحت تأثیر یک بیماری ناشناخته، واقع شده و غیرهوشیار بوده است. لرد گودارد نظریه «هجوم زنبورها» را مطرح کرد. به موجب این نظریه فرضی، چنانچه راننده‌ای مورد هجوم دسته‌ای زنبور قرار گیرد و قادر به کنترل وسیله نقلیه نباشد، عمل او هرچند ناشی از مسلوب‌الارادگی نیست، در عین حال غیرارادی محسوب می‌شود و مصداق حرکت خودبه‌خودی خواهد بود (Barker & Padfield, 1382: 340).

۲-۲. استفاده از برخی داروها

در پرونده‌های متعددی که متهم رقیب عشقی خود را مجروح کرده (R v. Bailey, 1983) یا به‌عنوان پرستار به بیمار خود حمله‌ور شده (R v. Quick, 1973)، عمل مجرمانه ناشی از تزریق انسولین و کاهش قندخون بوده و متهم با استناد به حرکت خودبه‌خودی تبرئه شده است. همچنین در دعوای هاردی که متهم به دنبال توصیه همسرش مبنی بر خوردن قرص والیوم (خواب‌آور) کم‌د را به آتش کشیده بود، به استناد حرکت خودبه‌خودی غیرمسئول شناخته شد (R v. Hardie, 1984). مصرف الکل یا مواد مخدر مانع استناد به دفاع حرکت خودبه‌خودی می‌شود (R v. Lipman, 1970).

۲-۳. مشکلات داخلی مؤثر بر مغز

در دعوای چارلسون، فردی بدون دلیل واضح و مسلم با چکش ضربه‌ای به سر فرزند ده ساله‌اش زد و او را از پنجره به بیرون پرت کرد و باعث آسیب بدنی شدید شد. از طرفی بنا به شهادت شهود، وی، پدر خوبی بوده لیکن از یک غده (تومور مغزی) رنج می‌برده است که می‌توانسته باعث خشونت شود. او تبرئه شد با این استدلال که مغزش کنترلی بر اعضایش نداشته است (R. v Charlson, 1955).

۲-۴. خواب و اقدامات بلافاصله پس از بیداری از خواب

خواب‌گردی^۱ در برخی کشورهای دارای نظام کامن‌لو،^۲ به‌عنوان حرکت خودبه‌خودی مجنون^۳ و برانگیختگی ناگهانی ناشی از خواب در افراد غیرخواب‌گرد به‌عنوان حرکت

1. Somnambulism

۲. به‌عنوان مثال در حقوق انگلستان و ولز. همچنین دادگاه عالی کانادا وضعیت راننده‌ای را که در حالت خواب ۲۳ کیلومتر رانندگی کرده، به خانه والدین همسرش رفته و با چاقو به آنها حمله کرده بود را حرکت خودبه‌خودی مجنون تشخیص داد و او را تبرئه کرد (Gordon, 2000: 26).

3. Insane Automatism

خودبه‌خودی غیرمجنون^۱ طبقه‌بندی شده است (Ebrahim & Fenwick, 2008: 124). توضیح هر یک از مفاهیم یادشده در بند ۴ آمده است؛ از این رو، برای جلوگیری از تکرار مکررات و نیز حفظ انسجام مقاله، از تفصیل آن در این بخش چشم‌پوشی می‌شود.

۳. شرایط استناد به حرکت خودبه‌خودی در کامن‌لو

در کامن‌لو برای اینکه بتوان به دفاع حرکت خودبه‌خودی استناد جست، احراز دو امر لازم است:

۳-۱. وجود برخی شرایط

وجود برخی شرایط که نبود هر یک از آنها موجب می‌شود عمل انجام‌شده مصداق حرکت خودبه‌خودی نباشد. مانند شرط «غیرارادی بودن» که حرکت خودبه‌خودی را از دفاع‌هایی مانند اضطراب و اکراه متمایز می‌سازد یا شرط «غیرقابل انتساب به دیگری بودن» که موجب می‌شود حرکت خودبه‌خودی از «اجبار» متمایز شود. بحث از این شرایط در مفهوم‌شناسی حرکت خودبه‌خودی گذشت و مقایسه آن با نهادهای مشابه در ادامه می‌آید.

۳-۲. فقدان برخی موانع

گاه هر چند شرایط تحقق حرکت خودبه‌خودی فراهم است، به دلایل عقلی یا سیاست جنایی، دفاع حرکت خودبه‌خودی به دلیل وجود این موانع پذیرفته نمی‌شود. این موانع، که به‌عنوان استثنائات استناد به دفاع حرکت خودبه‌خودی مورد بحث قرار گرفته‌اند، عبارت‌اند از: جنون^۲؛ مستی^۳؛ خطای پیشین^۴.

1. Sane Automatism
2. Insanity
3. Intoxication
4. Prior Fault

۳-۲-۱. جنون

در کشورهای نظام کامن‌لو از یک‌سو در عموم تعاریف ارائه‌شده از حرکت خودبه‌خودی، نوعی فقدان اراده وجود دارد و از سوی دیگر در جنون نیز تحلیل افعال مجنون بر اساس وجود توهم یا فقدان قدرت تفکر صحیح صورت می‌پذیرد و مجنون توان کنترل و پیشگیری و عدم ارتکاب آن را ندارد. به‌رغم وجود اراده در ارتکاب جرم مجنون، چنین نتیجه‌گیری می‌شود که فرد در ارتکاب آن اراده‌ای نداشته است. بدین ترتیب، به‌رغم وجود این تمایز و آثار متفاوت آن، مرز مشخص و قاطعی بین جنون و حرکت خودبه‌خودی وجود ندارد. بر همین اساس است که گاه در تقسیم‌بندی حرکت خودبه‌خودی، از حرکت خودبه‌خودی مجنون و غیرمجنون نام برده شده است. حرکت خودبه‌خودی جبری درونی است که دلیل یا منشأ آن می‌تواند «درون» یا «بیرون» از ذهن باشد که برخی آن را به ترتیب، «حرکت خودبه‌خودی جنونی» و «حرکت خودبه‌خودی غیرجنونی» نامیده‌اند. تمایزی که از منظر پزشکی بر اساس ملاحظات کاملاً قراردادی استوار است. نمونه حرکت خودبه‌خودی با منشأ درونی، اتوماتیزم ناشی از صرع^۱ است. اعمالی که از فرد مصروع در حین حمله صرع نیز بروز می‌کند، هرچند در کامن‌لو به‌عنوان یکی از انواع جنون شناخته شده است، در عین حال می‌تواند به شرح فوق مصداق دیگری از حرکت خودبه‌خودی باشد. در حرکت خودبه‌خودی با منشأ بیرونی یا غیرجنونی، عوامل خارج از ذهن شخص منشأ حرکت خودبه‌خودی هستند. به عبارت دیگر، در حرکت خودبه‌خودی با منشأ بیرونی، شخص ذهنی عادی دارد که به‌طور موقت تحت تأثیر برخی عوامل خارجی قرار می‌گیرد. این امر موجب شده است حرکت خودبه‌خودی تعداد قابل توجهی از مصداق جنون را در خود جای دهد و این تداخل مصداق تا آنجا پیش رفته است که اساساً جنون یکی از موارد

۱. بیماری صرع، مجموعه‌ای از تشنجهای خودبه‌خودی ناگهانی و غیربرانگیخته است. به‌طور کلی، تشنج بر اثر برهم خوردن توازن طبیعی تحریک و مهار در دستگاه عصبی مرکزی ایجاد می‌شود (Moghaddasi & et al, 2021: 142).

حرکت خودبه‌خودی تلقی شده و سپس برای تفکیک هر یک از دیگری، ابتدا جنون به‌عنوان اولین استثناء استناد به حرکت خودبه‌خودی ذکر شده است (Scheb & Scheb, 2001: 326) و آنگاه به منظور تفکیک صحیح مصادیق جنون، دامنه بحث به تفاوت‌های جنون و حرکت خودبه‌خودی کشیده شده است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

جهت تعیین معیارهای تفکیک جنون و حرکت خودبه‌خودی در کامن‌لو باید بیان داشت که در پرونده‌های مرتبط با حرکت خودبه‌خودی از عباراتی استفاده می‌شود که ترکیب‌بندی آنها متفاوت از دفاع جنون است؛ از جمله این عبارات «متهم کنترل اعمال خود را از دست می‌دهد»، «هرگونه قدرت انتخاب خود را از دست می‌دهد»، «کیفیت و ماهیت اعمال خود را نمی‌شناسد»، «به‌طور داوطلبانه عمل نمی‌کند» و غیره (Mackay in Rumbold, 2019: xiv). با ملاحظه آرای که در این خصوص صادر شده است، می‌توان حداقل دو معیار را برای تفکیک جنون و حرکت خودبه‌خودی برشمرد:

معیار اول، داخلی یا خارجی بودن عامل است. به موجب برخی آراء، چنانچه عمل ارتكابی ناشی از عاملی خارجی باشد، حرکت خودبه‌خودی و چنانچه ناشی از عاملی داخلی باشد، جنون شناخته شده است. به‌عنوان مثال، افزایش قندخون در بدن ناشی از فعل و انفعالات داخل بدن و بدون تأثیر مستقیم عوامل خارجی است، در حالی که کاهش قندخون در افراد مبتلا به دیابت می‌تواند بر اثر تزریق انسولین (ناشی از عامل خارجی) باشد؛ بنابراین اعمال ارتكابی، چنانچه در نتیجه افزایش قند خون باشد می‌تواند مستند جنون واقع شود و چنانچه کمبود قندخون ناشی از تزریق انسولین باشد می‌تواند با دفاع حرکت خودبه‌خودی تفسیر شود (Ashworth, 1387: 102). در دعوی بینگهام به‌رغم آنکه متهم ۹۰ پوند در جیبش داشت، به سرقت یک قوطی کوکاکولا و یک ساندویچ به ارزش ۱/۱۶ پوند به دلیل کمبود قندخون محکوم شده بود که دادگاه استیناف به استناد حرکت خودبه‌خودی او را تبرئه کرد (R v. Bingham, 1991).

این معیار موارد نقضی دارد؛ زیرا از یک سو برخی حرکات ناشی از عوامل داخلی مانند صرع هرچند به دلیل فقدان اراده در حرکات بدن، قاعداً باید از مصادیق بارز

حرکت خودبه‌خودی محسوب شود، اما در برخی از آرای صادره صرفاً به دلیل پیش-گفته (منشاء داخلی داشتن) به دفاع جنون استناد شده است. به‌عنوان مثال، در دعوای سالیوان فردی در حالت تشنج (صرع) با پا به سر و بدن همسایه‌اش ضربه زده بود. دادگاه از آن جهت که عامل مؤثر در ارتکاب عمل، عاملی داخلی است که بر مغز تأثیر می‌گذارد، آن را جنون تشخیص داد، نه حرکت خودبه‌خودی (R v. Sullivan, 1984). از سوی دیگر، علاوه بر غیرقابل توجیه بودن این معیار در برخی مصادیق، گاه به‌رغم داخلی بودن عامل به دفاع حرکت خودبه‌خودی استناد شده است؛ به‌عنوان مثال در دعوای چارلسون که پیشتر (بند ۳-۳-) گذشت. به مجموعه این نتایج، که به دلیل منجر شدن به تمایزات عجیب و غیرمنطقی انتقاد وارد شده است (Elliott & Quinn, 2008: 431) موجب شده تا این معیار نتواند معیار دائم و موفقی برای جداسازی حرکت خودبه‌خودی و جنون باشد. برخی نیز به‌صراحت منتقد خلط دو مفهوم فقدان آگاهی (جنون) و فقدان اراده (حرکت خودبه‌خودی) توسط قضات شده‌اند (Yeo, 2002: 446).

معیار دوم در تفکیک جنون و حرکت خودبه‌خودی در کامن‌لو، تکرار و عدم تکرار است. اگر حرکت خودبه‌خودی در نتیجه ناتوانی روانی^۱ باشد که قابلیت تکرار دارد و به متهم اجازه نمی‌دهد که رفتار خود را کنترل کند یا ماهیت و کیفیت عمل خود را درک کند، این امر به‌عنوان حرکت خودبه‌خودی جنونی طبقه‌بندی می‌شود (Beran, 2020: 1)؛ یعنی هرگاه عامل موجب ارتکاب، مستعد تکرار باشد، چنین عاملی جنون قلمداد شود و چنانچه علی‌الاصول تکرارشدنی نباشد به موجب دفاع حرکت خودبه‌خودی توجیه شود. در دعوای براتی، فردی متهم به خفه کردن دختری ۱۸ ساله بود و مدعی شد که در زمان قتل از یک بیماری روانی حرکتی رنج می‌برده است. دادگاه نظر داد که چنانچه هیئت منصفه دفاع جنون را رد کند، متهم می‌تواند متوسل به دفاع حرکت خودبه‌خودی شود و در مقام تعیین معیار تفکیک جنون و حرکت

1. Mental Infirmity

خودبه‌خودی اظهار نظر لرد دنینگ مبنای تصمیم قرار گرفت: «هر پریشانی روحی که خود را در قالب یک خشونت بروز می‌دهد و مستعد تکرار است، مرض روحی است» و سپس نتیجه‌گیری شد که «بیماری روانی حرکتی، جنون است» (Bratty v. Attorney-General for Northern Ireland, 1963). همچنین در دعوی هنسی، عواملی همچون استرس، اضطراب و افسردگی هرچند می‌توانند ناشی از کارکرد عوامل خارجی باشند، عاملی خارجی برای ایجاد حرکت خودبه‌خودی دانسته نشده‌اند و دادگاه استیناف بیان داشته است که «این عوامل مستعد تکرار هستند و وصف حادثه بودن را به این دلیل در دعوی مطروحه منتفی کرده است». در این پرونده، متهم در توجیه رانندگی در زمانی که صلاحیت آن را نداشت، مدعی شد دچار قندخون بالا به دلیل مصرف نکردن انسولین بوده و عدم مصرف انسولین نیز ناشی از استرس و افسردگی وی بوده است (R v. Hennessy, 1989).

مقصود از مستعد تکرارپذیر بودن آن است که خصوصیات جسمی یا روحی بدن، اقتضای تکرار عمل غیرارادی را داشته باشد و با بروز هر عامل خارجی مشابه، مشابه عمل ارتكابی قبلی بروز داده شود. معیار دوم می‌تواند برای تشخیص و جداسازی حرکت خودبه‌خودی و جنون، از معیار اول معیار مناسب‌تری باشد.

در کامن‌لو، قانون مصوب مجلسی وجود ندارد که بر حرکت خودبه‌خودی حاکم باشد. بسته به تصمیمات قضائی که در طول سال‌ها و در حوزه‌های قضائی مختلف گرفته شده، حرکت خودبه‌خودی یک دفاع در کامن‌لو است. از این روست که قضات مختلف که با موارد کاملاً متفاوت سروکار دارند، تعاریف متفاوتی ارائه کرده‌اند (Rix, 2015: 242)، اما در سال ۲۰۱۳ کمیسیون حقوقی انگلیس، نقش حرکت خودبه‌خودی را به‌عنوان یک دفاع مورد بازنگری قرار داد. توصیه موقت^۱ کمیسیون حقوقی، لغو^۲ قواعد^۳

-
1. Provisional
 2. Abolish
 3. Rules

کامن‌لو در مورد هر دو دفاع حرکت خودبه‌خودی و جنون و جایگزینی آنها با یک دفاع قانونی جدید مبنی بر «عدم مسئولیت کیفری به دلیل شرایط پزشکی شناخته شده» است. این دفاع جدید شامل هر شرایط پزشکی‌ای می‌شود که منجر به اختلال در صلاحیت کامل مسئولیت کیفری شود؛ با انجام این کار، قانون منطقی‌تر می‌شود؛ زیرا تمایز پیچیده بین حرکت خودبه‌خودی مجنون و غیرمجنون از بین می‌رود. یکی از نتایج عملی این تفکیک در کشورهای دارای نظام کامن‌لو آن است که چنانچه دفاع متهم بر حرکت خودبه‌خودی استوار شود، از وی سلب مسئولیت می‌شود، در حالی که چنانچه دفاع متهم بر مبنای جنون باشد، باید برای مدت نامحدود روانه بیمارستان روانی گردد (Elliott & Quinn, 2008: 416). این رویکرد جدید به قیمت کاهش شدید شانس برائت در حرکت خودبه‌خودی است که دیگر به‌طور کامل از دادگاه رها نخواهند شد، بلکه مشمول اختیارات قضائی از جمله دستورات بیمارستانی و نظارتی خواهند بود (Rumbold from Mackay, 2019: xiv).

۳-۲-۲. مستی

بدون پرداختن به مباحث مربوط به ماهیت دفاع مستی و موارد مسئولیت و سلب مسئولیت مست در حقوق کامن‌لو، در مورد ممکن نبودن استناد به حرکت خودبه‌خودی در حالت مستی، دو نحوه تحلیل و استدلال وجود دارد:

تحلیل اول آن است که اساساً به‌ندرت می‌توان دلیلی آن‌قدر قوی یافت که ثابت نماید مستی فرد موجب مسلوب‌الاراده شدن او شده باشد (Ashworth, 1387: 103). در این تحلیل، مستی به‌طور تخصیصی از مقوله حرکت خودبه‌خودی خارج است. تحلیل دوم آن است که هرچند اراده و اختیار در حین ارتکاب عمل مجرمانه به‌کلی از مست سلب شده باشد، به دلیل سیاست کیفری خاص، دفاع حرکت خودبه‌خودی قابل استناد نیست؛ زیرا نباید به افراد اجازه داده شود از مستی، به‌ویژه در جرایم خشونت علیه اشخاص که در نتیجه مستی اتفاق می‌افتد، بهانه‌ای برای رفتار مجرمانه بسازند

(Elliott & Quinn, 2008: 430 & 436). در این تحلیل، مستی تخصیصاً از ذیل حرکت خودبه‌خودی خارج می‌شود. در تحلیل دوم، نیازی به بررسی این نیست که مستی موجب بی‌اختیاری کامل مرتکب شده باشد. شایان ذکر است به موجب تحلیل دوم، هرگاه خودِ مستی از روی بی‌اختیاری یا اضطرار حاصل شده باشد، می‌توان به دفاع حرکت خودبه‌خودی استناد کرد؛ زیرا آنچه موجب مسئولیت مست است، سیاست کیفری‌ای است که این سیاست شامل کسانی است که به اختیار به مستی مبادرت کرده باشند. این تحلیل به نوعی مستی را به شرط دیگر حرکت خودبه‌خودی یعنی (خطای پیشین) نزدیک می‌سازد، چه اینکه مست به‌رغم بی‌اختیاری در حال ارتکاب جرم، از آن جهت همچنان مسئول شناخته خواهد شد که خود، اراده را از خود سلب کرده است.

۳-۲-۳. خطای پیشین

این استثناء، مانع اصلی امکان استناد به دفاع حرکت خودبه‌خودی است که به موجب آن چنانچه فردی با آگاهی، مبادرت به عملی نماید که نتیجه طبیعی این اقدام، وقوع او در حالت حرکت خودبه‌خودی باشد، نمی‌تواند در صورت ارتکاب جرم به دفاع حرکت خودبه‌خودی تمسک جوید؛ زیرا در اینجا فرض بر این است که واقع شدن در وضعیت حرکت خودبه‌خودی قابل پیش‌بینی بوده و مرتکب با اختیار خود، عمل مقدماتی را انجام داده است؛ به‌عنوان مثال، راننده‌ای که بر اثر خستگی مفرط در حین رانندگی به خواب می‌رود و دچار حادثه می‌شود (Attorney-General's Reference, 1994)، حقیقتاً در حرکت خودبه‌خودی واقع شده است، ولی از آنجاکه از قبل می‌توانسته با وجود خستگی مفرط از رانندگی خودداری کند اما با ادامه دادن به رانندگی به خواب رفته و حادثه‌ای آفریده است بنابراین، نتوانسته است از دفاع حرکت خودبه‌خودی بهره‌مند شود (Rumbold, 2013: 827).

در عین حال، استثناء «خطای پیشین» با اشکال و ابهاماتی مواجه است. به‌عنوان نمونه، با این ایراد روبه‌روست که در هر حال، فعل واقع‌شده دارای پشتوانه اراده‌ای

ندارد که مبنای مسئولیت کیفری محسوب می‌شود. پس چگونه می‌توان فردی را مسئول دانست که بدون هرگونه اراده، فعلی مجرمانه از او سرزده است. بر همین اساس گفته شده است که «اعمال دکترین خطای پیشین از توجه به این نکته غافل است که مسئولیت کیفری کماکان به حرکات غیرارادی تعلق گرفته است» (Ashworth, 1387: 104). با این حال، رعایت مصالح در سیاست کیفری تا حد زیادی نادیده انگاشتن این ایراد را توجیه می‌نماید. دلیل منع استناد به دفاع حرکت خودبه‌خودی با وجود خطای پیشین، آگاهی از ریسک است (Ashworth, 1387: 104). به این معنا که مرتکب باید بداند در صورت خطا انجام دادن، با حالت حرکت خودبه‌خودی مواجه خواهد شد. چنانچه وقوع در حالت حرکت خودبه‌خودی صرفاً ناشی از یک خطای ساده باشد و متهم از پیشامدهای بعدی آگاهی نداشته باشد، می‌تواند از مزایای دفاع حرکت خودبه‌خودی بهره‌مند شود.

۴. حرکت خودبه‌خودی در فقه و حقوق ایران

از آنجاکه استناد به دفاع حرکت خودبه‌خودی منطقی به نظر می‌رسد و این دفاع در سیستم حقوقی ایران حداقل از حیث قانون‌گذاری و صدور حکم ناشناخته است، آشکار ساختن خلأ آن در قانون‌گذاری ایران اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

۴-۱. مقایسه حرکت خودبه‌خودی با اصطلاحات مشابه

مقایسه دفاع حرکت خودبه‌خودی با دیگر دفاع‌های مشابه می‌تواند از یک‌سو به ایجاد مرز بین حرکت خودبه‌خودی و دفاعیات دیگر کمک کند و از سوی دیگر، به شناخت دقیق حرکت خودبه‌خودی بیانجامد؛ بنابراین به مقایسه حرکت خودبه‌خودی با اجبار، اضطرار و جنون در حقوق ایران و بر اساس موازین فقهی پرداخته می‌شود:

۴-۱-۱. تفاوت حرکت خودبه‌خودی و اجبار^۱

از اجبار در حقوق کیفری گاه به‌عنوان یک اصطلاح حقوق اسلامی و گاه به‌عنوان حقوق عرفی استفاده می‌شود. در اصطلاح حقوق اسلامی، اجبار در مقابل اکراه^۲ و به معنی فقدان اراده است (Gorji, 2007: 319; Feyz, 1997: 285) مانند آنکه فردی به دلیل حبس غیرقانونی، مرتکب ترک فعل مجرمانه شود؛ یا انگشت وی بدون اختیار او ذیل برگه‌ای زده شود، اما در اصطلاح حقوق جزای عرفی، اجبار یکی از عوامل رافع مسئولیت است و سنت رایج در جزای عمومی، تقسیم آن به اجبار مادی و معنوی و هر یک به داخلی و خارجی است (Saneei, 1993, 2: 56; Goldouzian, 1997: 197). در برخی تألیفات، بدون توجه به اینکه در شرح عوامل رافع مسئولیت، کدام یک از معانی اجبار (فقهی یا عرفی) مدنظر است، به‌طور مستقل دو اصطلاح اکراه و اجبار مطرح و در مقام توضیح اجبار، بدون توجه به اینکه مفهوم فقهی آن مدنظر است، تقسیم‌بندی عرفی آن مطرح می‌شود. اجبار به معنی فقهی آن تنها شامل تعدادی از مصادیق اجبار مادی بیرونی به معنای عرفی است و انواع دیگر اجبار عرفی جزء مصادیق اضطرار، اکراه و غیره است که به‌طور مستقل مورد بحث قرار گرفته‌اند.^۳ به‌عنوان مثال، عموم نویسندگان، نمونه بارز اجبار مادی بیرونی را عمل چوپانی می‌دانند که از ترس حمله گرگ، گوسفندان خود را به محل ممنوع چرا وارد کرده است^۴ (Saneei, 1993, 1: 56; Mir Mohammad Sadeghi, 2022: 222; Mohammad Sadeghi, 2020: 342). در حالی که به

۱. مقصود از اجبار در اینجا، عدم اراده است نه مفهومی عام که در ادبیات حقوقی، خصوصاً ادبیات حقوقی پیش از انقلاب اسلامی که اکراه و اضطرار را نیز شامل می‌شد.

۲. فقدان رضا و طیب خاطر

۳. حتی گاه اکراه نیز به اکراه مادی و معنوی تقسیم شده و در ذکر مثال، نمونه‌ای از اجبار مادی خارجی آورده شده است (Validi, 2003: 160-161; Shambayati, 1996: 80-88).

۴. با دقت در این موضوع که چوپان گوسفندان را وارد محل ممنوعه کرده، نه اینکه حمله گرگ باعث ورود آنان شده باشد.

موجب حقوق اسلامی و قانون مجازات اسلامی این عمل مصداق بارز اضطرار است؛ زیرا چوپان برای دفع خطر از خود و مال خود با اراده کامل به انجام عمل مجرمانه‌ای مبادرت ورزیده است.

با این توضیح، در این مقال سخن از مقایسه حرکت خودبه‌خودی با اجبار به معنی فقدان اراده است که تنها مصادیقی را از اجبار مادی بیرونی دربرمی‌گیرد (معنای فقهی). در هیچ یک از دو دفاع اجبار و حرکت خودبه‌خودی، عمل به صورت ارادی واقع نمی‌شود. بدین ترتیب، به لحاظ فقدان اراده تفاوتی بین حرکت خودبه‌خودی و اجبار نیست. اما در مقام تعیین تفاوت این دو دفاع می‌توان گفت که در حرکت خودبه‌خودی، «عمل»، مستقیماً از بدن فرد سرمی‌زند و منشأ قریب این حرکت، عکس‌العمل فیزیکی شخص مرتکب است، بدون اینکه شخص، حیوان و... قهراً و مستقیماً او را به انجام چنین عملی ملزم کرده باشد. در حالی که در اجبار، عامل دیگری موجب بروز عمل از فرد مجبور می‌شود، به نحوی که اعضاء و جوارح فرد مجبور، در خلق و ایجاد عمل نقشی ندارند. به عبارت دیگر، در حرکت خودبه‌خودی عمل واقع شده، «فعل» فاعل است که نتیجه فعالیت اعضاء بدن او (عملکرد ماهیچه‌ها و...) است؛ ولی در اجبار، مجبور در حالت «انفعال» است و نیرویی که موجب بروز فعل شده است، نشأت گرفته از نیروی بدن مجبور نیست؛ بلکه متعلق به غیرمجبور (انسان، حیوان و...) است و مجبور در حکم ابزار انجام فعل، به کار گرفته شده است. به عبارت دیگر، در اجبار به معنای فقهی، منشأ عمل فرد مجبور، قوه قاهره‌ای خارج از جسم اوست؛ ولی در حرکت خودبه‌خودی این قوه قاهره از خود جسم شخص نشأت می‌گیرد و بدین ترتیب، حرکت خودبه‌خودی از «اجبار» تفکیک می‌شود.^۱ به‌عنوان مثال، هرگاه توفان،

۱. قوه قاهره هر حادثه‌ای است که خارجی (خارج از حیطه قدرت)، پیش‌بینی‌ناپذیر و غیرقابل اجتناب باشد. قوه قاهره که ترجمه فورس مازور از حقوق فرانسه است، می‌تواند پاره‌ای حوادث ناشی از عمل انسان را نیز دربرگیرد؛ در حالی که عبارت Act of God تنها شامل حوادث غیرعادی خواهد بود که علل طبیعی دارند و بدون مداخله بشر روی می‌دهند. (Safaei, 1985: 112 & 114). بنا بر تعریف یادشده، «منشأ» قوه قاهره برای

کشتی حامل فردی را از مرز آبی کشوری به درون کشور دیگری بیاندازد، یا انگشت فردی با فشار شخص ثالث موجب فشار ماشه و شلیک گلوله شود، در این صورت مسافر کشتی یا صاحب انگشت را نمی‌توان در حالت حرکت خودبه‌خودی دانست، هرچند حضور در کشور دیگر بدون اراده او واقع شده است. چه اینکه فعل واقع شده منتسب به بدن فرد مجبور نیست. در حالی که چنانچه دست فردی بر اثر هجوم زنبورها ناخودآگاه به حرکت درآمده و موجب بروز حادثه‌ای شود، فرد را می‌توان در حالت حرکت خودبه‌خودی دانست. به این دلیل که منشأ قریب این حادثه حرکت دست فرد بوده که خود ناشی از عکس‌العمل غیرارادی درونی اوست. این تفاوت ماهوی میان اجبار و حرکت خودبه‌خودی به تفاوت آثار و احکام حقوقی و عرفی آنها می‌انجامد که یکی از آنها مسئولیت ناشی از جرم واقع شده در هریک از این دو حالت است. در اجبار اصولاً عمل ارتكابی قابلیت انتساب عرفی به مجبور را ندارد، اما مسئولیت یا سلب مسئولیت از فردی که در حالت حرکت خودبه‌خودی مرتکب عملی می‌شود، به روشنی و سادگی حالت اجبار نیست؛ زیرا به هر حال بدن فرد در وضعیت حرکت

تعیین مصادیق این مفهوم، حائز اهمیت نیست و در متن اصلی صرفاً برای تفکیک «اجبار در مفهوم فقهی» از «حرکت خودبه‌خودی» به این منشأ اشاره شد.

در فقه، عبارتی به‌عنوان قوه قاهره وجود ندارد و از واژه‌هایی چون جائحه یا امر سماوی، خوف عام، عذر خاص و عذر عام استفاده شده است (Hooshyar & et al, 2020: 121). در خصوص رابطه قوه قاهره و امر سماوی یا همان فعل الهی بسته به تعریف ارائه شده از قوه قاهره، دو حالت قابل تصور است: اول، صرف‌نظر از اینکه منشأ همه امور اراده الهی است، همه امور سماوی یا افعال الهی، قوه قاهره هستند، اما برخی از قوه قاهره‌ها، امر سماوی یا فعل الهی نیستند؛ مانند زندانی کردن یک شخص توسط دیگری؛ یعنی در حالت اول، رابطه قوه قاهره و امر سماوی عموم و خصوص مطلق با عمومیت قوه قاهره است. دوم، رابطه قوه قاهره و امر سماوی عموم و خصوص من‌وجه است که با آوردن مثال‌هایی این مورد شرح داده می‌شود. زلزله، سیل و مانند آنها هم مصداق قوه قاهره هستند و هم مصداق امر سماوی. زندانی کردن یک شخص توسط شخص دیگر، قوه قاهره هست اما مصداق امر سماوی نیست. آنجاکه کودکی بدون تقصیر مرتکب فعل مجرمانه یا خسارت‌باری شود، برخی از فقها معتقدند مصداق امر سماوی است. مثال اخیر نمی‌تواند مصداقی از قوه قاهره تلقی شود. با این توضیحات، نگارندگان رابطه عموم و خصوص من‌وجه را صحیح‌تر تلقی می‌کنند.

خودبه‌خودی، حرکتی را انجام داده است و از سوی دیگر، مسئله منتسب نکردن عمل به مرتکب، به همان بداهت حالت اجبار نیست تا نافی مسئولیت او باشد. هم‌چنانکه انتساب عمل به وی نیز آن‌چنان بدیهی نیست تا منجر به ترتب آثار حقوقی آن شود.

۲-۴-۱. تفاوت حرکت خودبه‌خودی و اضطرار

مفهوم اضطرار در ادبیات حقوقی ایران به صورت منقح به کار برده نشده است. گاه مفهوم فقهی اضطرار مورد نظر است که به «نیاز شخصی» مبرمی اطلاق می‌شود که آدمی را به انجام کاری وامی‌دارد (Saneei, 1993, 1: 221) و گاه مفهوم فقهی ضرورت نیز بدان افزوده شده است که به معنی انجام عمل به منظور حفظ «جان یا مال دیگری» است (Ardebili, 2020: 88; Goldouzian, 1997: 42; Baheri, Dateless: 263) و گاه در تقسیم اجبار به مادی و معنوی و درونی و بیرونی، مثال‌های مسلمی ذکر شده که مصداق بارز اضطرار هستند. در مقابل، مواردی مانند اسقاط جنین توسط پزشک برای حفظ حیات مادر، مصداق اضطرار دانسته شده (Saneei, 1993, 1: 220)؛ در حالی که مصداق هیچ یک از عناوین اضطرار، اجبار و اکراه به معنی فقهی آن نیست.

در این مقال، در مقام مقایسه بین حرکت خودبه‌خودی و اضطرار، صرفاً مفهوم فقهی اضطرار مورد نظر است. در دفاعیاتی مانند اضطرار هرچند همانند حرکت خودبه‌خودی عامل بیرونی یا درونی، مضطر را به ارتکاب عملی وادار می‌سازد، اما مضطر با انتخاب عملی از خویشتن رفع خطر می‌نماید، در حالی که دارای اراده است. در حرکت خودبه‌خودی، عملی که از بدن فرد سرمی‌زند بدون هیچ‌گونه انتخاب وی و بدون اراده او واقع می‌شود و چه بسا این عکس‌العمل در مواردی تنها به زیان او باشد. بر این اساس، نمی‌توان مصادیق حرکت خودبه‌خودی را در دفاع اضطرار قرار داد یا مستندات سلب مسئولیت را از مضطر به حرکت خودبه‌خودی نیز تسری داد.

۴-۱-۳. تفاوت حرکت خودبه‌خودی و جنون

صرف‌نظر از تعاریف پزشکی و حقوقی جنون، که به‌راحتی و با قاطعیت نمی‌توان نسبت بین آن دو را بیان نمود^۱ و البته چنین تفکیکی در نتیجه بحث مقایسه جنون و حرکت خودبه‌خودی مؤثر است و نیز صرف‌نظر از اینکه در پرونده‌های متعدد در کشورهای که حرکت خودبه‌خودی را به‌عنوان یکی از دفاعیات پذیرفته‌اند، گاه دفاع جنون و حرکت خودبه‌خودی به‌عنوان دفاع جایگزین یکدیگر به کار برده شده‌اند، به نظر می‌رسد تفکیک بین دفاع جنون و حرکت خودبه‌خودی در سیستم حقوقی ایران چندان مشکل نباشد؛ زیرا از آنجا که برای تشخیص جنون گرفتن نظریه پزشکی قانونی الزامی است^۲ از دید روان‌پزشکان انواع جنون علائمی دارند که عبارت‌اند از هذیان، توهم، نقص شدید در شکل یا جریان تفکر، اختلال شدید خلق، نقص شدید شناختی، رفتار غیرمنطقی دائم یا مکرر و ناتوانی چشمگیر در مراقبت از خود (Bashiriyeh, 2008: 85; Hekmat, 1991: 73). یعنی فرد دارای اختلال جنون به دلیل اینکه توانایی تشخیص حسن و قبح اعمال خود را ندارد، فاقد مسئولیت کیفری شناخته می‌شود (Akefi & et al, 2023: 43) و در تمامی این موارد مجنون با اراده مبادرت به انجام عمل می‌نماید و در وجود اراده او در حین ارتکاب جرم و نیز انتساب عمل به وی هیچ‌گونه تردیدی نیست؛ در حالی که در حرکت خودبه‌خودی، بدن بدون هرگونه اراده‌ای، عمل یا عکس‌العملی را از خود بروز می‌دهد. به همین دلیل، نوبت به بحث در وجود اختلال در قوه تمیز و تفکر نمی‌رسد؛ بنابراین تفکیک بین جنون و حرکت خودبه‌خودی در سیستم حقوقی ایران با ایراد و ابهامی مواجه نیست.

۱. برخی نسبت بین مفهوم حقوقی و روان‌پزشکی جنون را با برهانی شبیه برهان خلف، عموم و خصوص مطلق برشمرده، مفهوم حقوقی جنون را عام و مفهوم روان‌پزشکی آن را خاص دانسته‌اند (Bashiriyeh, 2008: 91) که به نظر قابل نقد است.

۲. ماده ۲۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲: «هرگاه بازپرس در جریان تحقیقات احتمال دهد متهم هنگام ارتکاب جرم مجنون بوده است،... نظریه پزشکی قانونی را تحصیل می‌کند...».

۴-۲. تعیین مسئول در حرکت خودبه‌خودی

برخی مصادیق حرکت خودبه‌خودی به‌طور غیرمنسجم در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ آمده است. تقسیم‌بندی زیر برای تعیین مسئول ارائه می‌شود:

۴-۲-۱. شرایط وقوع حرکت خودبه‌خودی را عامل انسانی دیگری ایجاد کرده باشد

در این فرض تردیدی نیست که از باب اقوی بودن سبب از مباشر، مسئولیت با عامل انسانی دیگری است که فعل صادره در حالت حرکت خودبه‌خودی به او منتسب است؛ مانند آنکه کسی ماری را به‌ناگاه به سمت کسی پرت کند و فرد مزبور ناخودآگاه مرتکب عمل مجرمانه‌ای شود. بدیهی است نوع مسئولیت نیز بر اساس شرایطی تعیین می‌شود که پرتاب‌کننده مار دارد. این موارد اعم از آن است که عامل انسانی مستقیماً شرایط حرکت خودبه‌خودی را ایجاد کرده یا اینکه حرکت خودبه‌خودی به دلیل عامل دیگری و البته در ابتدا توسط عامل انسانی واقع شده باشد؛ مانند آنکه انسانی سگ تعلیم‌یافته‌ای را وادار به حمله به کسی کند و با حمله سگ، فرد در شرایط حرکت خودبه‌خودی قرار بگیرد و فعل مجرمانه‌ای از او حادث شود. چنانچه فعل حادث شده موجب آسیب جسمانی شود، می‌تواند منطبق بر ماده ۴۹۹ قانون مجازات اسلامی است: «هرگاه کسی دیگری را بترساند و آن شخص بر اثر ترس بی‌اختیار فرار کند یا بدون اختیار حرکتی از او سر بزند که موجب ایراد صدمه بر خودش یا دیگری گردد، ترساننده حسب تعاریف جنایات عمدی و غیرعمدی مسئول است». همچنین می‌تواند مصداق تسبیب مذکور در ماده ۵۰۶ قانون یادشده باشد: «...کسی... خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به‌طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی‌شد...» و مطابق ماده ۵۲۶ همان قانون: «در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار... باشد فقط سبب ضامن است». همان‌طور که در مقدمه آمد، اراده، مرحله بعد از اختیار است؛ بنابراین هر جا که اختیار نباشد، اراده هم نیست و فقدان اراده می‌تواند مصداق حرکت خودبه‌خودی باشد و از آنجاکه بی‌اختیاری موجب عدم مسئولیت است، به طریق اولی

بی‌ارادگی هم عدم مسئولیت را به همراه دارد. چنانچه فعل حادث شده موجب خروج مال از حرز شود، حکم آن را شاید بتوان به نوعی از ماده ۲۷۲ استنباط کرد؛ آنجا که قانون‌گذار تصریح می‌کند: «هرگاه کسی مال را توسط... هر وسیله بی‌اراده‌ای از حرز خارج کند مباشر محسوب می‌شود...»؛ بنابراین، قانون در مورد مصادیقی که فعل حادث شده موجب آسیب جسمانی یا خروج مال از حرز باشد حکم صریحی دارد. درخصوص سایر موارد، در حال حاضر حکم عام ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی در غیری و ضمان مالی راهگشاست؛ زیرا از آنجاکه عامل انسانی دیگری که دارای اختیار و اراده و قصد یا تقصیر هست (ماده ۱۴۴)، حضور داشته، انتساب عرفی به نحو سبب به او محقق و دارای مسئولیت کیفری است، عامل غیرمختار و بی‌اراده مانند وسیله‌ای در دست او بوده است. در مورد دیه و ضمان مالی هم صرف انتساب عرفی به مرتکب کافی است (ماده ۴۹۲) تا مسئول پرداخت تلقی شود. با اینکه انتساب مادی به شخصی که در وضعیت حرکت خودبه‌خودی بوده، محقق است اما انتساب عرفی قطعاً منتسب به عامل انسانی مختار و باراراده خواهد بود.

۴-۲-۲. حرکت ناگهانی بدن بدون مداخله عامل انسانی دیگر

در این‌گونه موارد چنانچه «قصد مطلق فعل» (و نه قصد فعل واقع شده) برای شخصی که در چنین وضعیتی قرار گرفته، مفروض تلقی شود، مانند حرکت ناگهانی بدن بر اثر برخورد با شیء داغ یا تیز، در جنایات عمل وی مصداق خطای محض خواهد بود و عاقله فرد مسئول پرداخت خسارات بدنی وارده‌اند، اما چنانچه وجود «قصد مطلق فعل» نیز برای شخص احراز نشود، خطای محض دانستن عمل نیز وجهی ندارد. چنانکه بعضی از فقها در این‌گونه موارد موضوع را مصداق تلف سماوی تلقی می‌کنند،^۱ می-

۱. ... لا دلیل علیه مطلقاً مالم یستند القتل الیه بالاختیار لعمد او شبه عمد او خطا محض لو ضوح ان مجرد کونه سبباً له لا یوجب الضمان بدون تحقق ذلک ...، ...کان الموت بقضاء الله و قدره من دون ان یستند الی اختیار الشخص (Khoei, N.A: 223, 234, 261).

توان قائل به نبود هیچ‌گونه مسئولیت برای شخص در چنین حالتی شد. هم‌چنانکه این فتوا را در مورد عدم مسئولیت شخص هنگامی پذیرفته‌اند که در خواب مرتکب جنایتی شود^۱ (Khoei, Dateless: 234 & 261). در مقابل گروهی از فقها که عمل شخص خواب را به او مستند دانسته‌اند در نحوه مسئولیت شخص خواب، نظر واحد ندارند؛ برخی عمل ارتكابی او را مصداق شبه‌عمد (Shaid Thani, 1993: 330; Allameh Helli, 2000: 529; Najafi, 1948: 177 & 223) و برخی آن را مصداق خطای محض دانسته‌اند (Mohaghegh Helli, 1989: 283; Shahid Awal, 1986: 297; Shahid Thani, Dateless: 132; Shirazi, 1989: 87) از منظر این گروه از فقها می‌توان گفت به قیاس اولویت هرگاه در حالت بیداری، عملی-هرچند غیرارادی- از شخصی سرزنند، عمل قابل انتساب به اوست و در جنایات، مسئولیت خطای محض را به دنبال خواهد داشت که مقنن نیز این نظر را پذیرفته است. اگر عبارت «مانند آنها» در بند الف ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ناظر بر بی‌ارادگی، نه ناهوشیاری، باشد، می‌توان حرکت خودبه‌خودی را در جنایات مانند خواب و بیهوشی موجب مسئولیت خطای محض دانست. علاوه بر موارد یادشده، به موجب ماده ۱۴۰ قانون مذکور، «اختیار» شرط مسئولیت است. بی‌ارادگی که مرحله بعد از بی‌اختیاری است نیز موجب سلب مسئولیت کیفری خواهد شد. شایان ذکر است عبارت «مانند آنها» را در ماده ۱۵۳ قانون مذکور^۲ نمی‌توان به‌سادگی ماده ۲۹۲ ناظر بر هر نوع بی‌ارادگی، نه صرفاً ناهوشیاری، دانست؛ زیرا ماده ۲۹۲ موجد مسئولیت و ماده ۱۵۳ رافع مسئولیت برای مرتکب رفتار مجرمانه است. آنجا که سخن از ایجاد مسئولیت برای بی‌اراده ناهوشیار است می‌توان با قیاس اولویت برای

۱ برخی نیز جانی شمردن شخص خواب را مقید به امکان استناد جنایت به او دانسته‌اند (Khomeini, N.A.: 561) ... علی وجه یستند الاتلاف الیه... (Hosseini Rouhani, 2008: 168).

۲ هرکس در حال خواب، بیهوشی و مانند آنها، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود مجازات نمی‌گردد مگر اینکه شخص با علم به اینکه در حال خواب یا بی‌هوشی مرتکب جرم می‌شود، عمداً بخوابد یا خود را بی‌هوش کند.

بی‌اراده‌ی هوشیار (غیرخواب و غیربی‌هوش) هم قائل به مسئولیت شد. اما آنجا که سخن از رفع مسئولیت برای بی‌اراده ناهوشیار است، نمی‌توان به بی‌اراده هوشیار تسری داد؛ چراکه رفع مسئولیت برای مرتکب رفتار مجرمانه نیاز به تصریح مقنن دارد و قیاس اولویت نیز در اینجا کارساز نیست؛ زیرا بی‌اراده هوشیار اولی از بی‌اراده ناهوشیار نیست، بلکه ادنی است. از این رو، با اینکه مطابق ماده ۱۴۰ مرتکب حرکت خودبه‌خودی مسئولیت کیفری نخواهد داشت اما این ماده هم درباره اینکه ضمان کاملاً متفی است یا فقط مجازات اجرا نمی‌شود، راهگشا نخواهد بود. لازم است مقنن در این مورد وارد عمل شود و با اصلاح قانون یا تصویب مواد جدید، اصل را بر این بنا نهد که در جنایات و غیرجنایات، حرکت خودبه‌خودی در حکم قوه قاهره تلقی شود و مسئولیتی برای شخصی که حرکت خودبه‌خودی از او سرزده، نباشد. دلیل این رویکرد همان‌طور که در بخش مفهوم‌شناسی آمد، این است که حرکت خودبه‌خودی از شخص «سرمی‌زند»، نه اینکه او «مرتکب» آن شود؛ یعنی با اینکه «فعل» به او منتسب است اما «فعل مجرمانه» به وی منتسب نیست. به نظر می‌رسد عرف جامعه نیز همین دیدگاه را داشته باشد. اصل انصاف که یکی از مبانی آن اخلاق است نیز منتهی به همین قاعده خواهد شد. چنانچه یک قاعده حقوقی با مبانی اخلاقی جامعه همسو باشد، اجرای آن آسان خواهد بود و از جمود قانون کاسته، در ایجاد عدالت حقیقی مؤثر خواهد بود (Ahmadizadeh & et al, 2022: 104). ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی نیز بیان می‌دارد: «در مواردی که جنایت یا هر نوع خسارت دیگر مستند به رفتار کسی نباشد، مانند اینکه بر اثر علل قهری واقع شود، ضمان متفی است». اما اگر برخی اصرار بر این داشته باشند که انتساب عرفی محقق است (البته این ادعا در همه مصادیق حرکت خودبه‌خودی نیز صحیح نیست) و نیازی به احراز تقصیر در جنایات خطای محضی نیست که به مباشرت انجام می‌شود، (Mir Mohammad Sadeghi, 2020: 49)، می‌توان برخی مصادیق جنایات در وضعیت حرکت خودبه‌خودی را از مصادیق جنایات خطای محض محسوب کرد. در غیرجنایات مانند پرت کردن تخم‌مرغ به سمت یک سیاست‌مدار یا

انتشار مطلبی کذب با فشردن یک دکمه در رایانه شخصی (بدون احراز قصور و تقصیر و قابل پیش‌بینی یا پیشگیری بودن آن) بر اثر حرکت خودبه‌خودی نیز «فعل مجرمانه» به شخص مذکور منتسب نیست و نباید مسئولیت کیفری داشته باشد. در مورد ضمان نیز چنانچه حرکت خودبه‌خودی در حکم قوه قاهره تلقی شود، منتفی است. در صورت ارتکاب قصور و تقصیر که در کامن‌لو، «خطای پیشین» نامیده می‌شود، از نظر فقهی نیز قاعده «الإمتناع بالاختیار لاینافی الإختیار»^۱ می‌تواند مستند عدم جواز تمسک به دفاع حرکت خودبه‌خودی در چنین وضعیتی باشد. شهید ثانی در مورد مسئولیت کسی که در آتش افتاده و با وجود قدرت بر خروج، در آتش می‌ماند به این قاعده استناد کرده است.^۲ همچنین درباره شخصی که عالماً و عامداً مرتکب شرب خمر شده و در حین مستی عملی انجام دهد که موجب مجازات است، از آن جهت که از مصادیق قاعده «الإمتناع بالاختیار لاینافی الإختیار» است مستحق مجازات دانسته شده است (Amid (Zanjani, 2009: 270).

۴-۲-۳. مصرف دارو و موارد مشابه

هرگاه تحت تأثیر قرار گرفتن بدن و سیستم عصبی ناشی از مصرف یا مصرف نکردن دارو در بیماری‌های خاص، مانند دیابت یا غیر آن باشد، در انتساب فعل به فاعل هیچ گونه تردیدی نیست و مسئولیت وی در قبال رفتار خویش مسلم است و در این باره بر اساس موازین فقهی و قانونی، علم داشتن یا نداشتن مصرف‌کننده دارو به خواص دارو یا اقدامات لازم پس از مصرف دارو برای از بین بردن آثار سوء داروها در انتساب فعل

۱. قاعده «الإمتناع بالاختیار لاینافی الإختیار» قاعده‌ای عقلی است و هرچند فقها در موارد متعدد به آن استناد کرده‌اند، لیکن به صورت مجزا از آن کمتر بحث شده و مستندات آن را عقل، تسالم و... دانسته‌اند (Mustafawi, 2001: 60).

۲. با ذکر این نکته که عدم خروج موجب صدق سببیت در اتلاف نفس است و قاعده الاختیار... دلیل احراز سببیت است (نه دلیلی مستقل) (Amid Zanjani, 2009: 9 & 278 From Shahid Thani).

به وی تغییری ایجاد نمی‌کند و نمی‌توان این اعمال را به‌عنوان اعمال غیرارادی و فاعل آن را فاقد مسئولیت دانست؛ زیرا فاعل در هر صورت، قصد یک رفتار (مصرف کردن یا نکردن) را داشته است. در جنایات، تشخیص نوع آن در همه موارد آسان نیست و با مفروض دانستن «قصد مطلق فعل» و به میزان قصد فعل و قصد نتیجه در هر مورد می‌توان احکام متفاوتی شامل خطای محض، شبه‌عمد و حتی عمد در نظر گرفت. در سایر جرایم، در صورتی که عنصر معنوی شامل عمد یا تقصیر مفقود باشد، مسئولیتی ثابت نخواهد بود.

۴-۲-۴. خواب

در حالتی که فرد پس از دیدن رؤیایی از خواب بیدار شود و آثار رؤیا موجب ارتکاب عملی مجرمانه از وی گردد؛ مانند آنکه شخص در خواب ببیند گروهی عنکبوت به فرزند وی حمله‌ور شده‌اند، با اضطراب از خواب برخیزد و بدون تعقل و تفکر و به تصور نجات فرزند از حمله عنکبوتان، وی را از پنجره به بیرون پرتاب نماید، برای رفع مسئولیت از مرتکب نمی‌توان به خواب استناد کرد. دقت در این نکته نیز لازم است که هرچند در زبان فارسی «خواب» برای هر دو مفهوم نوم^۱ و رؤیا^۲ به کار برده می‌شود، احکام قانونی تنها شامل «خواب بودن»^۳ است، نه «خواب دیدن». در این‌گونه حالات نیز با توجه به موازین فقهی، شخص هم بیدار است و هم قصد فعل واقع شده را دارد. اما اینکه اقدامات چنین شخصی بدون پیش‌زمینه فکری یا نشأت‌گرفته از اوهامی است که در خواب برای وی پدید آمده، موجب انتساب نکردن فعل به وی نمی‌شود و تنها موجب تغییر در نوع مسئولیت وی در جنایات خواهد شد^۴ و در غیرجنایات، تنها باید

1. Sleeping
2. Dream
3. Sleeping

۴. طبق بند الف ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ شبه‌عمد خواهد بود.

مطابق بند پ ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی (اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم) از جهات تخفیف باشد. بدیهی است چنانچه اعمال ارتكابی بر اثر غلتیدن در خواب یا خواب‌گردی باشد، با توجه به مبانی فقهی و توجیهاتی که در جمع بین مواد ۱۵۳ و ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ وجود دارد، می‌توان حکم مسئله را دریافت. بدین صورت که در غیرجنایات، فاعل مجازات نمی‌شود و در جنایات به دلیل انتساب تنها دیه می‌پردازد. درباره ضمان در غیرجنایات بر اساس قواعد مسئولیت مدنی رفتار می‌شود. اما اگر افعال سرزده از شخص خوابیده از مصادیق حرکت خودبه‌خودی محسوب شود، پیشنهاد می‌شود در حکم قوه قاهره تلقی گردد.

فرجام سخن

«حرکت خودبه‌خودی» فعلی است که بدون اراده و کنترل مؤثر شخص از وی صادر شده و او قادر به جلوگیری از آن نیست. یعنی در درون خود دارای دو ویژگی توأمان است: «ارتکاب فعل از فاعل» و «بروز فعل بدون اراده فاعل». اینکه از منظر پزشکی، کدام رفتارها مصداق حرکت خودبه‌خودی محسوب می‌شوند، نیاز به مطالعه و بررسی تخصصی پزشکان و ارائه نتایج آن به جامعه حقوقی است، اما از منظر حقوقی رفتارهایی ذیل حرکت خودبه‌خودی قرار می‌گیرند که غیرارادی، غیرقابل کنترل و غیرقابل پیشگیری و بدون برنامه‌ریزی یا پیش‌بینی قبلی باشد؛ یعنی در هر پرونده قضائی لازم است نظر پزشکی قانونی در مورد آن رفتار اخذ شود تا مشخص گردد که حرکت خودبه‌خودی ویژگی‌های یادشده را دارد یا خیر. حرکت خودبه‌خودی که با

۱. هرکس در حال خواب، بیهوشی و مانند آنها، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود مجازات نمی‌گردد.

۲. جنایت در موارد زیر خطای محض محسوب می‌شود:

الف- در حال خواب و بیهوشی و مانند آنها واقع شود؛

جنون، اکراه، اجبار و مستی متفاوت است، از دفاعیات عام محسوب می‌شود و در دسته علل رافع مسئولیت کیفری قرار می‌گیرد. ممکن است برخی حرکت خودبه‌خودی را از مصادیق اجبار درونی بدانند؛ در ردّ این نظر باید گفت اجبار با اینکه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیامده، اما در حقوق ایران، اجبار از منظر فقه مدنظر است که تنها برخی مصادیق اجبار در کامن‌لو را دربرمی‌گیرد؛ یعنی اجبار به معنی فقهی آن تنها شامل اجبار مادی بیرونی از منظر کامن‌لو است و انواع دیگر اجبار عرفی جزء مصادیق اضطرار، اکراه و غیره است که در فقه به‌طور مستقل مورد بحث قرار گرفته‌اند. از این‌رو، نمی‌توان حرکت خودبه‌خودی را ذیل اجبار درونی از نوع معنوی یا مادی آن قرار داد؛ زیرا اساساً اجبار درونی در فقه و به تبع آن در حقوق ایران مد نظر نیست. حرکت خودبه‌خودی به‌عنوان دفاعی عام به‌طور کامل تبرئه‌کننده در کامن‌لو (در آرای قضائی و بدون قانون مصوب مجلس) پذیرفته شده است، اما قوانین ایران آن را مستقلاً به‌طوری که تمام مصادیق را در برگیرد به‌عنوان یک دفاع عام در عدم مسئولیت کیفری متهم نپذیرفته‌اند و از آنجا که مصادیق خارجی دارد، نیازمند بازنگری قانون است. پیشنهاد می‌شود تا تصویب قانونی صریح، این دیدگاه اتخاذ شود که در حرکت خودبه‌خودی فعل از شخص «سر می‌زند»، نه اینکه او مرتکب آن شود. در واقع با اینکه «فعل» به او منتسب است اما «فعل مجرمانه» به او منتسب نیست. از این‌رو، حرکت خودبه‌خودی در حکم قوه قاهره است. با عنایت به اینکه در برخی آراء کامن‌لو، حرکت خودبه‌خودی به اتوماتیزم مجنون و غیرمجنون تقسیم شده، به نظر می‌رسد این تفکیک لازم نبوده، بلکه کافی است نوعی تدابیر قضائی حسب نظر پزشکی قانونی به صورت مصادیقی تعیین شود؛ یعنی آنجا که امکان تکرار حرکت خودبه‌خودی طبق نظر پزشکی قانونی وجود دارد، برای پیشگیری از آن و کنترلش تدابیر قضائی مناسب به صورت مصادیقی در هر پرونده تعیین شود. در پایان، جدول بعد تطبیق کامن‌لو و حقوق کیفری ایران را حرکت خودبه‌خودی نشان می‌دهد:

حقوق کیفری ایران	کامن‌لو
مفهومی مغفول‌مانده از نظر پژوهش‌گران و مقنن و خلط‌شده با مفاهیم مشابه در دکترین حقوقی	دارای قدمت بسیار (از حدود سال ۱۹۰۰ میلادی) و مطروح در پرونده‌های متعدد
ماده جامعی برای تعیین احکام آن تصویب نشده است، هرچند مصادیقی از آن در مواد پراکنده وجود دارد.	با اینکه قانون مصوب در این باره وجود ندارد، اما دفاعی به‌طور کامل تبریته‌کننده در کنار سایر دفاعیات عام در پرونده‌های متعدد قضائی است و مصادیق آن قابل احصاء در «حرکت ناگهانی بدن بر اثر برخورد یا مواجهه (با شیء یا حیوان)»، «استفاده از برخی داروها»، «مشکلات داخلی مؤثر بر مغز» و «خواب و اقدامات بلافاصله پس از بیداری از خواب» است.
بدون تقسیم‌بندی و دارای تمایز آشکار با دفاع جنون	دارای تقسیم‌بندی به شرح اتوماتیزم جنونی و غیرجنونی که باعث خلط مفهوم آن با دفاع جنون می‌شود.
اراده و به‌طور کلی، عنصر روانی مخدوش و باعث عدم تکوین عناصر سه‌گانه جرم	اراده و به‌طور کلی، عنصر روانی مخدوش و باعث عدم تکوین عناصر سه‌گانه جرم است.
تکوین عناصر سه‌گانه جرم است.	

References

- Ahmadizadeh, S. H., Mahmoudi Janaki, F., & Sheidaeiian, M. (2022). The Principle of Equity in Jurisprudence and Criminal Law of Iran. *Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(4), 101-110. DOI: 10.22034/jccj.2022.366309.1113. [In Persian]
- Akefi, L., Irvanian, A., & Paknahad, A. (2023). The Scope of Mental Disorder Defense in the Criminal Systems of Iran and the United States of America. *Journal of Legal Studies*, 15(2), 73-110. DOI: 10.22099/jls.2023.41777.4528. [In Persian]
- Allameh Helli, J. H. (2000). *Tahrir al-Ahkam*. First Edition. Qom: Institute of Imam Sadiq. [In Arabic]
- Amid Zanjani, A. A. (2009). *The Rules of Jurisprudence*. Vol. 2. First Edition. Tehran: Samt. [In Persian]

- Ardebili, M. A. (2020). *General Criminal Law*. Vol. 1. 62th Edition. Tehran: Mizan. [In Persian]
- Ashworth, A.(1387). *Principles of criminal law*, Fifth edition, Tehran: Mizan.
- Baheri, M. (Dateless). (*Prescriptions*) *General Criminal Law*. Tehran: Elmi Brothers. [In Persian]
- Barker, D. & padfield,c.(1382). *Law made simple*, Tehran: Mizan.
- Bashiriyeh, T. (2008). The Interaction of Legal and Psychiatric Concepts of Insanity. *Law Quarterly, Faculty of Law and Political Sciences of Tehran University*, 38(3), 85-95. DOR: 20.1001.1.25885618.1387.38.3.5.6. [In Persian]
- Beran, R. G.(2020). “Automatism–A case of reality testing. *Forensic Science International: Mind and Law*, 1(1), 100019. DOI:10.1016/j.fsimpl.2020.100019
- Black, H. C.(2009). *Black’s Law Dictionary*. 9-th ed. St. Paul, Minn.: Thomson Reuters.
- Blair, D.(1997). The medicolegal aspects of automatism. *Medicine, Science & the Law*, 17,167–182. DOI: 10.1177/002580247701700304
- Brown,W.J.(1382). *Gcse law*, 7th edition.Tehran: Majd
- Clarkson, C. (2019). *Analysis of the Basics of General Criminal Law*. Translated by Hossein Mir Mohammad Sadeghi. Third Edition. Tehran: Jungle. [In Persian]
- Dictionary of Law Oxford* (2002). Oxford University Press.
- Ebrahim, I.O., & Fenwick, P.(2008). Sleep-related automatism and the law. *Medicine, Science and the Law*, 48(2), 124-136. DOI:10.1258/rsmm.48.2.124
- Elliott, C. & Quinn, F. (2008). *Criminal Law*. Translated by Ava Vahedi Navaei and Nastaran Ghazanfari. First Edition. Tehran: Mizan. [In Persian]
- Fenwick, P.(1990). Automatism, medicine and the law, *psychol med monograph suppl*, 17. 1–27. DOI: 10.1017/s0264180100000758
- Gholamreza Ravi, H., & Yosefvand, M. (2018). Effect of Force Majeure in Murder or Injury Arising from Omission. *Journal of Studies in Islamic Law & Jurisprudence*, 10(18), 133-154. DOI: 10.22075/feqh.2017.7696. [In persian]
- Goldouzian, I. (1997). *Iranian General Criminal Law*. Vol. 2. Fourth Edition. Tehran: Jihad University. [In Persian]

- Gordon, Gerald H.(2000). *The Criminal Law of Scotland*. Vol.I. Edinburg: W. Green.
- Gorji, A. (2007). *Legal Articles*. Fourth Edition. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Affairs. [In Persian]
- Hekmat, S. (1991). *Criminal Psychiatry*. First Edition. Tehran: Gutenberg. [In Persian]
- Hooshyar, M., Zare, M., & Ramezani, M. (2020). The Effects and Conditions of Act of God in the Imamieh Jurisprudence and Iranian Civil Law. *Academic Journal of Knowledge and Research of Law*, 6(1), 119-146. DOI: 10.22055/ajkr1.2022.38564.1069. [In Persian]
- Hosseini Rouhani, S. M. S. (2008). *Al-Sadiq Jurisprudence*. First Edition. Qom: Manshoorat al-Ijtihad. [In Arabic]
- Jennings, John.(1962). The Growth and Development of Automatism as a Defence in Criminal Law. *Osgoode Hall Law Journal*, 2(3). 370-382. DOI: <https://doi.org/10.60082/2817-5069.2496>
- Khoei, S. A. Q. (Dateless). *Basics of Takmulat al-Minhaj*. The second part. Lebanon: Dar al-Zahra Beirut. [In Arabic]
- Khomeini, S. R. (Dateless). *Tahrir al-Wasilah*. First Edition. Qom: Dar al-Alam Press. [In Arabic]
- Farrokh Siri, M. (1997). *Dictionary of Criminal Terms*. Vol. 1. First Edition. Bandar Abbas: Chichika. [In Persian]
- Feyz, A. (1997). *Islamic General Criminal Law*. Vol. 1. Second Edition. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Affairs. [In Persian]
- Mir Mohammad Sadeghi, H. (1997). *Dictionary of Criminal Law*. Second Edition. Tehran: Mizan. [In Persian]
- Mir Mohammad Sadeghi, H. (1999). Classification of Delinquent Children in the English Penal System. *Legal Research Quarterly*. 2(25-26). 151-157. [In Persian]
- Mir Mohammad Sadeghi, H. (2020). *Crimes Against Persons*. 28th Edition. Tehran: Mizan. [In Persian]
- Mir Mohammad Sadeghi, H. (2022). *General Criminal Law*, Vol. 2. Second Edition. Tehran: Dadgostar Press. [In Persian]
- Moghaddasi, R. & Moazadi, A. A. & Qutbuddin, Z. (2021).«Epilepsy: Mechanisms of Seizures and Epilepsy». *Iranian Journal of Biology (Scientific)*. 5(10). 142-148. DOR: 20.1001.1.20089406.1400.5.10.17.5. [In Persian]

- Mohaghegh Helli, N. M. I. H. (1989). *Sharayee al-Islam*. First Edition. Beirut: Dar al-Zahra. [In Arabic]
- Mustafawi, S. M. K. (2001). *Rules, A hundred Jurisprudential Rule*. Fourth Edition. Qom: Islamic. [In Arabic]
- Najafi, M. H. I. B. I. A. N. (1948). *Jawaher al-Kalam*. Third Edition. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah. [In Arabic]
- Rix, K. J.(2015). The common law defence of automatism: A quagmire for the psychiatrist. *BJPsych Advances*, 21(4), 242-250. DOI:10.1192/apt.bp.113.012146
- Rumbold, J.(2013). Automatism and driving offences. *Journal of forensic and legal medicine*, 20(7), 825-829. DOI:10.1016/j.jflm.2013.06.014
- Rumbold, J.(2019). *Automatism as a Defence in Criminal Law*. First published, New York: Routledge
- Sadeghi, M. H., & Tanhaei, F. (2017). The Nature of the Freewill and Its Role in Criminal Law. *Journal of Criminal Law Research*, 6(21), 39-72. DOI: 10.22054/jclr.2018.12430.1217. [In Persian]
- Safaei, H. (1985). Force Majeure, Overview in Comparative Law and International Law and International Commercial Contracts. *International Law Review*, (3), 110-149. DOI: 10.22066/CILAMAG.1985.18456. [In Persian]
- Saneei, P. (1993). *General Criminal Law*. Vol. 1. Fifth Edition. Tehran: Ganj Danesh. [In Persian]
- Saneei, P. (1993). *General Criminal Law*. Vol. 2. Fifth Edition. Tehran: Ganj Danesh. [In Persian]
- Scheb.John M.& SchebII.John M.(2001). *Criminal law*. First Edition. Tehran: Dadgostar.
- Shahid Awal, M. I. J. M. (1986). *Al-Loma al-Dameshqiyyah*. First Edition. Qom: Dar al-Naser. [In Arabic]
- Shahid Thani, Z. A. A. I. A. A. (1993). *Masalek al-Afham*. First Edition. Qom: Institute of Al-Maarif al-Islamiyah. [In Arabic]
- Shahid Thani, Z. A. A. I. A. A. (Dateless). *Al-Rawzat al-Bahiyah Fi Sharh al-Loma al-Damshqiyyah*. First Edition. Isfahan: Imam Amir al-Mominin School. [In Arabic]
- Shambayati, H. (1996). *General Criminal Law*. Vol. 2. Sixth Edition. Tehran: Wistar. [In Persian]
- Shirazi, S. M. (1989). *Jurisprudence*. Second Edition. Beirut: Dar al-Uloom. [In Arabic]

- Swaiman, K. F., Ashwal, S., Ferriero, D. M., Schor, N. F., Finkel, R. S., Gropman, A. L., ... & Shevell, M. (2017). Swaiman's pediatric neurology e-book: *Principles and practice*. Sixth Edition. Elsevier Health Sciences.
- Validi, M. S. (2003). *Criminal Liability*. Third Edition. Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
- Yeo, S. (2002). Clarifying automatism. *International journal of law and psychiatry*, 25(5), 445-458. DOI:10.1016/S0160-2527(01)00113-3

Cases:

- Attorney-general's reference (No. 2 of 1992). QB 1994:91.
- Bratty v. Attorney-General for Northern Ireland, 1963 A.C. 386 (1963).
- Hill v. Baxter, 1958 Q.B.1 277 (1958).
- R v Bailey, 1983 1 WLR 760 (1983).
- R v Bingham, 1991 Crim LR 43 (1991).
- R. v. Charlson, 1955 All E.R.1 859 (1955).
- R v. Hardie, 1984 All E.R.3 835 (1984).
- R v. Hennessy, 1989 1 WLR 297 (1989)
- R v. Lipman, 1970 Q.B.1 152 (1970).
- R v. Quick, 1973 All E.R.3 347 (1973).
- R v. Sullivan, 1984 A.C. 156 (1984).